

ساختار گزاره‌های اخلاقی از دیدگاه ابن‌سینا

محمدحسین مهدوی‌نژاد، * لیلیا فاضلی **

چکیده

یکی از مباحث وجودشناختی در فلسفه اخلاق، ساختار گزاره اخلاقی است؛ به این معنا که آیا مدلول قضیه‌ای مثل «راست‌گویی خوب است» اخبار است یا انشا؟ آیا انسان خوب بودن را کشف می‌کند یا خوب بودن را برای راست‌گویی جعل می‌کند؟ نوشتار حاضر با بررسی آثار ابن‌سینا به روش توصیفی تحلیلی درمی‌یابد که برخی مبانی او همچون مبدئیت شریعت الهی برای اخلاق و مشهور بودن قضایای اخلاقی، با دیدگاه جعل قضایای اخلاقی سازگار است. ولی دیگر اظهاراتش، از قبیل قراردادن اخلاق ذیل مباحث فلسفه و برهان‌پذیری گزاره‌های اخلاقی، غیرواقعی و ناشناختی بودن گزاره‌های اخلاقی را نفی می‌کند. از مجموع دیدگاه‌های شیخ‌الرئیس به این نتیجه می‌رسیم که

* استادیار گروه فلسفه و کلام و اخلاق دانشگاه پیام‌نور.

h_mahdavinejad@yahoo.com

** کارشناس ارشد فلسفه اخلاق دانشگاه پیام‌نور.

akhlagh@dte.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

دلایل واقعی بودن اخلاق قوی تر است و ابن سینا معتقد به اخباری بودن گزاره‌های اخلاقی است.

واژگان کلیدی

گزاره اخلاقی، جعل، کشف، واقع‌گرایی اخلاقی، غیرواقع‌گرایی اخلاقی، وجودشناسی اخلاقی، ابن سینا.

طرح مسئله

گزاره‌های اخلاقی به لحاظ وجودشناختی^۱ و معرفت‌شناختی^۲ و معناشناختی^۳ از زوایای متفاوتی بررسی شده‌اند که نتیجه آن ظهور مکتب‌های گوناگون در فلسفه اخلاق بوده است. یکی از مباحث وجودشناختی در فلسفه اخلاق، ساختار گزاره‌های اخلاقی است؛ به این معنا که آیا این گزاره‌ها اخباری‌اند یا انشایی؟^۴ آیا تصدیق یا تکذیب آن‌ها ممکن است یا فقط حاصل جعل و حامل علاقه و نفرت گوینده‌اند و واقعیتی ورای آن ندارند؟ اگر اخباری‌اند آیا تحویل‌یافتنی به انشایی هستند؟ اگر انشایی‌اند آیا تحویل‌یافتنی به اخباری هستند؟ نوع پاسخ به این پرسش‌ها، به واقع‌گرایی یا غیرواقع‌گرایی در ساحت وجودشناختی و شناخت‌گرایی یا ناشناخت‌گرایی در ساحت معرفت‌شناختی فلسفه اخلاق منجر می‌شود.

1. ONTOLOGIC.

2. EPISTEMOLOGIC.

3. SEMANTOLOGIC.

۴. ذکر این نکته لازم است که معنای اخبار و انشا در فلسفه اخلاق با کاربرد این دو کلمه در علوم دیگری چون فقه و اصول فقه متفاوت است. به طور خلاصه در اینجا اخبار به معنای کشف حقیقت و انشا به معنای جعل آن است.

درباره ساختار قضایای اخلاقی دو دیدگاه کلی وجود دارد: یک دیدگاه بر آن است که حقیقت اخلاقی از تصمیم‌های ما مستقل است و مطلوب ما در تفکر اخلاقی، رسیدن به کشف^۱ آن حقیقت اخلاقی است و ویژگی‌های اخلاقی، ویژگی‌هایی اصیل و جزو اجزای عالم‌اند^۲ (مک‌ناوتن، ۱۳۸۶: ۲۵)؛ دیدگاه مقابل معتقد است که هیچ‌چیز ارزش ذاتی ندارد؛ زیرا ارزش‌ها بخشی از جهان واقع نیستند؛ بلکه مخلوق ما هستند (همان: ۳۳). بر این اساس، دیدگاه نخست واقع‌گرا خوانده می‌شود؛ زیرا حقیقت‌های اخلاقی را موجوداتی می‌داند مستقل از سلیقه و پسند شخصی افراد که به دلیل استقلالشان، قابلیت شناسایی یکسان توسط همه انسان‌ها را دارند و از آنجا که نقطه مشترک همه انسان‌ها عقل است، احکام اخلاقی به لحاظ معرفتی، عقلی‌اند. اما دیدگاه دوم غیرواقع‌گرا و ناشناخت‌گرا نامیده می‌شود؛ زیرا اعتقاد دارد، هر فرد یا گروهی می‌تواند ارزش اخلاقی مدنظر خود را جعل^۳ و وضع کند و ارزش‌نبودن آن از نظر افراد و گروه‌های دیگر، کاملاً طبیعی است. به عبارت دیگر، راه شناخت احکام اخلاقی، قرارداد بین افراد، یعنی قراردادگرایی، یا انشای خداوند، یعنی نظریه امر الهی و مکتب اشاعره، یا احساس و عاطفه انسان‌ها، یعنی نظریه عاطفه‌گرایی و راه‌های دیگری غیر از عقل است. نوشتار حاضر درصدد است با کاوش در آثار ابن‌سینا و به روش توصیفی تحلیلی، دیدگاه او را درخصوص ساختار گزاره‌های اخلاقی دریابد.

1. DISCOVER.

۲. البته معلوم است که مقصود از واقعی بودن حقیقت‌های اخلاقی این نیست که در عالم عین، وجودی مشهود دارند و لمس آن‌ها با حواس پنج‌گانه ممکن است؛ بلکه منظور این است که وجودی نفس‌الامری دارند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۴ تا ۶).

3. INVENTION.

۱. آرا و مبانی ابن سینا در فلسفه اخلاق

ابن سینا (۳۶۳ تا ۴۲۹ ق) از فیلسوفان برجسته مکتب مشاء، بلکه نماینده آن در جهان اسلام است. هرچند وی درباره ساختار گزاره‌های اخلاقی موضع‌گیری خاصی ندارد، می‌توان با کندوکاو در آثارش به نتایجی رسید. دیدگاه شیخ درباره مباحث مرتبط با فلسفه اخلاق در چند بند بیان می‌شود:

۱.۱. منشأ اخلاق، عقل عملی است

ابن سینا پس از توضیحی درباره عقل عملی می‌گوید: «وانما كانت الاخلاق عند التحقيق لهذه القوة»؛ (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۱۶۴).

۲.۱. احکام اخلاقی از مشهورات خاصه هستند

ابن سینا مشهورات را قسیم قضایای واجب‌القبول و وهمیات قرار داده است و معتقدات را مقسم. در بخش منطق کتاب الاشارات و التنبیها در بیان تقسیمات انواع قضایا، ضمن اینکه گزاره‌های اخلاقی چون «سلب مال الانسان قبیح» و «أن الكذب قبیح» را مشهورات معرفی کرده است، آن‌ها را «آراء محموده و تأدیبات صلاحیه» نامیده و در تعریف آن گفته است:

«وهی آراء لو خلی الانسان و عقله المجرد و وهمه و حسه و لم یؤدب بقبول قضایاها و الاعتراف بها و لم یمل الاستقراء بظنه القوی الی حکم اکثره الجزئیات و لم یستدع الیها ما فی طبیعة الانسان من الرحمة و الخجل و الانفة و الحمیة و غیر ذلك، لم یفرض بها الانسان طاعة لعقله او وهمه او حسه»؛ این قضایا آرایبی است که انسان به مجرد عقل و وهم و حس خود و بدون تربیت و آموختن آنها یا استقراء و تجربه تاریخی یا احساسات و عواطف انسانی

قادر به تصدیقشان نیست. (محقق طوسی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۵۱)

بنابراین، عوامل دیگر همچون تربیت، حیا، مهربانی، سرشت انسانی و ... را در حصول نتیجه و قضاوت انسان دربارهٔ قضایای اخلاقی دخیل می‌شمارد. محقق طوسی در شرح سخن شیخ می‌آورد: «و الآراء المحمودة هي ما تقتضيه المصلحة العامة او الاخلاق الفاضلة»؛ آرای محموده آن است که مستلزم مصلحت همگانی یا فضایل اخلاقی است (همان: ۳۵۳).

۳.۱. شرط اعتبار مشهورات، از جمله قضایای اخلاقی، مطابقت با آرای همگانی است
 شیخ ملاک درستی گزاره‌های اخلاقی را چنین عنوان می‌کند: «الآراء المحمودة ربما خصنهاها باسم المشهورة، اذ لا عمدة لها الا الشهرة»؛ [دستهٔ دیگر از مشهورات] آرای محموده است و چه بسا که فقط این قسم را مشهوره بخوانیم؛ چراکه هیچ تکیه‌گاهی جز شهرت ندارد (همان: ۳۵۱). خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: «همان‌طور که در قضایای واجب‌القبول مطابقت با خارج معتبر است، در مشهورات هم مطابقت با آرای همگانی اعتبار دارد» (همان: ۳۵۰).

۴.۱. مبدأ حکمت عملی، شریعت الهی است
 شیخ آن بخش از حکمت را که هم دانستن و هم به‌کار بستن آن به‌عهدۀ ماست را حکمت عملی می‌نامد و ضمن تقسیم آن به حکمت مدنی و حکمت منزل و حکمت خلقی، چنین ادامه می‌دهد: «و مبدأ هذه ثلاثة مستفاد من جهة الشريعة الالهية و کمالات حدودها تستبين بالشریعة الالهية»؛ و مبدأ این سه حکمت از شریعت الهی افاده می‌شود و کمال محدودۀ آن‌ها را نیز شریعت الهی بیان می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۰ق: ۳۰).

او همین مضمون را در منطق‌المشرقیین نیز بیان می‌کند:

عملاً خواهی فهمید که بهتر آن است که علم اخلاق و علم تدبیر منزل و علم تدبیر مدینه، هر کدام جداگانه باشند و قانون گذاری و اینکه این قانون گذاری به چه نحوی باشد، خود امری جداگانه باشد و از این جمله که قانون گذاری چگونه باید باشد، قصدم این نیست که قانون گذاری یک امر تلفیقی و ساخته دست بشر است و از جانب خداوند نیست و هر انسان عاقلی می تواند آن را به عهده بگیرد، هرگز، بلکه این امری است از جانب خداوند و هر انسان عاقلی نمی تواند قانون گذار باشد. اما اشکال ندارد که ما در امور زیادی که از جانب خداست بنگریم و ببینیم که آن ها چگونه باید باشند (۷ تا ۸).

۵.۱. پذیرش مشهورات، از جمله گزاره های اخلاقی، واجب است

ابن سینا هر چند مشهورات را قسیم گزاره های واجب القبول می داند و منطقاً اقسام باهم مبین اند؛ ولی از جنبه دیگری، مشهورات را هم واجب القبول معرفی می کند: «فاما المشهورات من هذه الجملة. فمنها ايضاً هذه الاوليات ونحوها مما يجب قبولها، لا من حيث هي واجب قبولها؛ بل من حيث عموم الاعتراف بها»؛ دسته ای از مشهورات، قضایای واجب القبول، شامل اولیات و مانند آن است، نه از آن حیث که واجب القبول است؛ بلکه از حیث اعتراف همگانی به آن (محقق طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۳۵۰). به این ترتیب، او اعتراف و اعتقاد همگانی را دلیل بر واجب القبول بودن گزاره اخلاقی در نظر می گیرد.

۶.۱. صدق قضایای مشهور از طریق عقل مشخص نمی شود

شیخ در ادامه توضیح قضیه مشهور می آورد: «إن كانت صادقة فصدقها ليس مما تبين بفطرة العقل المنزل، المنزلة المذكورة»؛ (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ۶۶).



توضیح این نظر در بند ۱. ۲ آمده است. ابن سینا عواملی چون حیا، مهربانی، سرشت انسانی و ... را در اعتقاد به احکام اخلاقی دخیل می‌شمارد و این احکام را عقلی صرف نمی‌داند.

۷.۱. جزئی‌نگری در اخلاق وارد است

محقق طوسی در شرح عبارت‌های ابن سینا در بیان وجه تفاوت اولیات و مشهورات نکته‌ای می‌آورد که از آن نوعی جزئی‌گرایی فهمیده می‌شود: «یَتَطَّرَقُ التَّغْيِيرُ إِلَيْهَا (المشهورات) دُونَ الْاَوْلِيَّاتِ فَإِنَّ الْكُذْبَ قَدْ يَسْتَحْسِنُ إِذَا اشْتَمَلَ عَلَيَّ مَصْلَحَةٌ عَظِيمَةٌ...» (محقق طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۳۵۱). بنابراین، شارح شیخ معتقد است که در احکام اخلاقی می‌توان ال‌اهم فالاهم کرد و هر جا مصلحت مهم‌تری اقتضا کند، بازگشت از قاعده اصلی نیکو شمرده می‌شود.

۸.۱. گزاره‌های اخلاقی، بدیهی و اولی نیستند

قضیه مشهور به صرف تصور موضوع و محمول به نتیجه نمی‌رسد و همچون سایر قضایای نظری به حد وسط نیازمند است:

و الفرق بینها (مشهورات) و بین الاولیات ما ذكره الشيخ من أن العقل الصریح الذی لا یلتفت الی شیء غیر تصور طرفی الحکم إنما یحکم بالاولیات من غیر توقف. و لا یحکم بها بل یحکم منها بحجج تشتمل علی حدود وسطی کسائر النظریات (همان).

مطالب آمده در بندهای ۱. ۲ و ۱. ۶ نیز این گفته‌ها را تأیید می‌کنند.

۲. تحلیل و نقد آرای ابن سینا

بنابر آنچه در توصیف دیدگاه سینوی بیان شد، دیدگاه‌هایی مطابق مبانی نظریه قراردادگرایی، امر الهی، غیرواقع‌گرایی و ناشناخت‌گرایی دریافت می‌شود.

برخی اندیشمندان در درستی گفته‌های شیخ تردید کرده و دیدگاه‌های او را نادرست می‌دانند.^۱ اینک این پرسش مطرح است که مبدئیت شریعت الهی برای احکام اخلاقی با مشهور بودن، یعنی مبدئیت اعتراف عمومی، چگونه جمع می‌شود؟ از طرف دیگر، چرا رئیس مکتب مشاء که مکتبی عقل‌گراست به مبدئیت شریعت الهی برای احکام اخلاقی یا حتی توافق همگانی که هر دو نوعی قراردادگرایی هستند، معتقد است؟ در آثار ابن‌سینا مطالبی یافت می‌شود که صورت نخستین این پرسش‌ها را تغییر می‌دهد و یا می‌تواند به آن‌ها پاسخ دهد.

۱.۲. امکان یقینی‌شدن گزاره‌های اخلاقی

بیان احکام اخلاقی، مثل «ظلم قبیح است» و «شکر منعم واجب است» در ذیل قضایای مشهور که درستی و نادرستی آن‌ها را نمی‌توان از طریق عقل کشف کرد، مستلزم یقینی‌بودن این احکام است که ناشناختی و غیرواقعی بودن آن‌ها را نتیجه می‌دهد. از طرف دیگر، به دلیل مشهور بودن و یقینی نبودن، فقط در جدل به‌کار می‌روند و جزء مقدمه‌های برهان نیستند. ولی از دیگر گفته‌های شیخ آشکار می‌شود که این احکام از طریق حجت، قابل یقینی‌شدن هستند: «بل المشهورات هذ و امثالها منها ما هو صادق و لکن یحتاج فی آن یصیر یقینا الی حجة»؛ مشهورات و مانند آن گاهی صادق‌اند؛ ولی برای یقینی‌شدن به اقامه

۱. در این خصوص، اختلاف نظر عمیقی بین صاحب‌نظران دیده می‌شود. برای نمونه، خواننده محترم را به دو اثر که نظری مخالف با نوشتار حاضر دارند، ارجاع می‌دهیم: نک: جعفر سبحانی، حسن و قبح عقلی یا پایه‌های اخلاق جاودان، ص ۵۹؛ احمدحسین شریفی، «مرور و ارزیابی دیدگاه ابن‌سینا درباره حقیقت قضایای اخلاقی»، اخلاق، ۱۳۸۶، ص ۸.

دلیل نیاز دارند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۶۶). همچنین، وی در رساله منطقیه
دانشنامه علائی (۱۲۱) نیز چنین اعتقادی دارد:

و مثال مشهورات چنان بود که گویند داد واجب است و دروغ نشاید گفتن و
چنان که گویند پیش مردمان عورت نباید گشاد و کس را بی گناه نباید
آزردن و چنان که گویند خدای بر هر چیزی قادرست و هر چیزی را داند. از
جمله بعضی راست است؛ چنان که مثال‌های پیشین و لیکن راستی‌اش به
حجت درست شود.

و به این ترتیب، وقتی گزاره‌های اخلاقی از طریق حجت، یقینی
شدند، نمی‌توان به آن‌ها ناشناختنی گفت. به عبارت دیگر، ابن سینا
برخلاف ناشناختی گرایان، قضایای اخلاقی را برهان‌پذیر می‌داند.
از طرف دیگر، وقتی این گزاره‌ها یقینی شدند، جزء مقدمه‌های
قیاس برهانی نیز به کار می‌روند و چنین نیست که فقط در جدل کاربرد
داشته باشند. به دیگر عبارت، در کلام شیخ سخنی یافت نمی‌شود دال بر اینکه
قضیه‌های اخلاقی و ارزشی به طور مطلق غیر یقینی‌اند و نمی‌توان بر آن‌ها برهان
عقلی اقامه کرد و به کارگرفتن آن‌ها در برهان‌ها نیز ممنوع است. بلکه در ذیل
کلام او تصریح شده است که برخی از این قضیه‌ها، قضیه‌های صادق‌ای هستند
که از طریق استنتاج برهانی به دست می‌آیند و لازمه این سخن این است که
به کاربردن آن‌ها در مقدمه برهان‌های دیگر نیز صحیح است (مصباح یزدی،
۱۳۷۳: ۱۰۶).

۲.۲. ناتوانی عموم از درک درستی قضایای مشهور

از مطالب پیشین، ۲.۱ و ۳.۱ نتیجه‌گیری می‌شود که ملاک درستی و نادرستی
در احکام اخلاقی، نظر عموم افراد و شرط اعتبار آن، تأیید همگان است.

نخست به نظر می‌رسد که شیخ قراردادگرایی در ارزش‌های اخلاقی را تأیید می‌کند؛ ولی عبارت‌هایی دارد که این گمان را باطل می‌کند. او اعتقاد دارد که دربارهٔ درستی قضایای مشهور، تیزهوشی و قوهٔ تشخیصی لازم است که عموم مردم آن را ندارند: «بل المشهورات هذه و امثالها منها ما هو صادق بشرط دقیق لا یفطن له الجمهور.» البته برخی قضیه‌های مشهور با اینکه صادق‌اند، به دلیل پیچیدگی‌شان عموم مردم از توجیه آن‌ها ناتوان‌اند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۶۶). با وجود چنین باوری به نارسایی قوهٔ تشخیص عموم مردم، بعید است که او برای آرای پراکنده و پریشان‌عامه، چنان رتبه‌ای قائل باشد که تشخیص درستی گزاره‌های اخلاقی را به آن‌ها واگذارد.

۳.۲. جایگاه رفیع عقل در عمل اخلاقی

هرچند ابن‌سینا مبدأ حکمت خُلقی را شریعت الهی دانسته، عقل انسان را در این میان دست‌بسته نگذاشته است؛ زیرا او پیرو مکتب مشاء است و طبیعتاً همیشه باید تعقل و استدلال، حضور پررنگی در دیدگاه‌های او داشته باشد. او پس از اینکه شریعت الهی را مبدأ هر سه نوع حکمت عملی عنوان می‌کند، عرضهٔ کلیات بر مصداق‌ها و تعیین تکلیف در جزئیات را برعهدهٔ عقل نهاده و می‌گوید:

«و تتصرف فیها بعد ذلك القوة النظرية من البشر بمعرفة القوانين العملية منهم و باستعمال تلك القوانين فی الجزئیات»؛ قوای نظری انسان در آن (شریعت الهی) از طریق شناخت قاعده‌های عملی و کاربرد این قواعد در جزئیات مداخله می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۰ق: ۳۰).

تطبیق کلیات بر جزئیات و اینکه در این زمینه خاص تا چه حد قاعده‌های کلی کاربرد دارند، کار بسیار مهم و دقیقی است که شیخ آن را به عقل می‌سپارد و این نشان از نقش اساسی عقل در مباحث اخلاقی در دیدگاه او دارد.

۲.۴. استدلالی بودن گزاره‌های اخلاقی

ابن سینا اخلاق را از موضوعات فلسفی می‌داند و بخشی، هرچند مختصر، از الهیات شفا را به آن اختصاص داده است. او در فصل چهارم از مقاله اول الهیات شفا (۲۸)، اخلاق را از مطالب این کتاب فلسفی عنوان کرده و می‌گوید:

«و ندل فیما بین ذلک علی... الاخلاق و الاعمال التی تحتاج الیهما النفوس الانسانیة مع الحکمة»؛ و در آن (اخلاق) درباره اخلاق و اعمالی که نفس انسانی بدان نیازمند است، با دلایل عقلی و فلسفی استدلال می‌کنیم. معلوم است که در فلسفه، مباحث عقلی و مستدل و برهانی مطرح می‌شود.

۲.۵. واقعی بودن موضوعات اخلاقی

از استناد اخیر (الهیات شفا: ۲۸) واقع‌گرا بودن شیخ در نظریه اخلاق فهمیده می‌شود. او جایگاه علم اخلاق را در فلسفه می‌داند. موضوع فلسفه «موجود بما هو موجود» است؛ بنابراین، احکام اخلاقی که در فلسفه بحث می‌شوند، قطعاً موجودات خارجی هستند. این همان اصل اساسی دیدگاه کشف در فلسفه اخلاق و تأییدکننده خدشه‌ناپذیری اخباری بودن قضیه اخلاقی و واقع‌گرایی اخلاقی و شناخت‌گرایی در اخلاق است.

۲.۶. تفکیک ساحت‌های وجودی و معرفتی گزاره‌های اخلاقی

ایراد دیگری که از گفته‌های شیخ به نظر می‌رسد، این است که او از یک طرف، اخلاق را مربوط به عقل عملی می‌داند و ملاک اعتبار مشهوراتی، چون

قضیه‌های اخلاقی را آرای همگانی عنوان می‌کند و از طرف دیگر، مبدأ حکمت خلّقی را شریعت الهی می‌داند. منشأ این ایراد، آمیزش ساحت‌های گوناگون در مباحث فلسفه اخلاق است. به این معنا که مبدأبودن شریعت الهی ناظر به مقام اثبات یا ساحت معرفت‌شناختی است و منافاتی با واقعیت‌داشتن ارزش‌های اخلاقی که ناظر به مقام ثبوت و ساحت وجودشناختی است و همچنین شناخت پذیری آن‌ها که ناظر به ساحت معرفت‌شناختی است، ندارد. درست‌ترین برداشتی که می‌توان از دیدگاه‌های ابن‌سینا کرد، این است که او وابستگی معرفتی اخلاق به شریعت را می‌پذیرد که با وابستگی وجودی متفاوت است (جوادی، ۱۳۸۶: ۲۷).

۳. بررسی تطبیقی گفته‌های ابن‌سینا و شواهد اخباری یا انشایی بودن گزاره‌های اخلاقی

از آنجاکه آرای شیخ درباره بحث حاضر، متناقض به نظر می‌رسد، با جداسازی مبانی دو دیدگاه کشف و جعل و به عبارتی اخباری و انشایی بودن قضیه‌های اخلاقی، می‌توان به نتیجه دقیق‌تری رسید.

۳.۱. دیدگاه کشف یا اخباری بودن گزاره‌های اخلاقی

گفتیم که در آثار شیخ شواهدی بر اخباری بودن جمله‌های اخلاقی و در نتیجه، واقع‌گرایی و شناخت‌گرایی وجود دارد. با اینکه مستندات این مدعا پیش‌ازین در این نوشتار آمده است، در اینجا دلایل اصلی آن را به تفصیل بیان می‌کنیم:

۳.۱.۱. آوردن اخلاق ذیل مباحث فلسفه

قوی‌ترین دلیل بر اخباری بودن احکام اخلاقی و واقع‌گرایی در اخلاق همین است که شیخ آن را فلسفی می‌داند؛ زیرا نشان می‌دهد که موضوع آن را موجود

بما هو موجود می‌شمارد که نخستین اصل واقع‌گرایی است. چنانچه جمله‌های اخلاقی مصداقی مستقل از قرارداد نداشته باشند، آوردن آن‌ها در مجموعه علوم فلسفی و حکمت بی‌وجه است (جوادی، ۱۳۸۶: ۲۶). از عنوان حاضر، دلیل دیگری بر شناختی بودن احکام اخلاقی از نظر شیخ به دست می‌آید و آن، نقش عقل در اخلاق است. وقتی اخلاق را از موضوعات مطرح در فلسفه بدانیم، قطعاً آن را علمی عقلی به حساب آورده‌ایم.

۳. ۱. ۲. صدق و کذب‌پذیری گزاره‌های اخلاقی

ابن‌سینا این گزاره‌ها را صدق و کذب‌پذیر می‌داند که نشان از شناختی بودن آن‌هاست. هرچند وی و شارحش، محقق طوسی، ملاک این ارزیابی را شهرت می‌دانند، این ملاک ممکن است در مقام اثبات و به لحاظ معرفت‌شناختی باشد.

۳. ۱. ۳. امکان اقامه برهان بر گزاره‌های اخلاقی

از نظر شیخ قضیه‌های یقینی دو دسته‌اند: یا بدیهی‌اند یا نظری. اگر به صرف تصور موضوع و محمول، نتیجه ایجاد شود، چنین قضیه‌ای بدیهی است و اگر حصول نتیجه نیازمند حد وسط باشد، قضیه نظری است. در سنت سینیوی گزاره‌های اخلاقی در دسته دوم جای دارند و هرچند که بدیهی نیستند، با اقامه برهان و حجت، درباره آن‌ها می‌توان به یقین رسید و حتی می‌توانند در مقدمه‌های برهان‌های دیگر شرکت کنند.

۳. ۱. ۴. جداسازی جدل از شعر

تخیل و استعاره و مجاز که صورت‌هایی از فرض و اعتبارند، در شعر نقش دارند؛ ولی در جدل نه. اگر قضایای اخلاقی، وضعی و اعتباری‌اند، چرا در شعر استفاده نمی‌شوند؟ (همان).

۳.۲. دیدگاه جعل یا انشایی بودن گزاره‌های اخلاقی

در اینجا نیز شواهد انشایی بودن قضیه‌های اخلاقی و به تبع آن، غیر واقعی و ناشناختی بودن آن‌ها را از نظر ابن‌سینا بررسی کرده، دلیل‌های نقض را نیز بیان می‌کنیم:

۳.۲.۱. آوردن قضیه‌های اخلاقی ذیل مشهورات خاص

اینکه شیخ احکام اخلاقی را جزء مشهورات آورده، دلیل محکمی برای غیر واقع‌گرا جلوه‌دادن او شده است. دو پاسخ برای این ایراد می‌توان بیان کرد:

اولاً «لا عمدة لها الا الشهرة» را می‌توان در مقام اثبات در نظر گرفت، نه ثبوت و می‌توان چنین نتیجه گرفت که ابن‌سینا جمله‌های اخلاقی را به لحاظ معرفت‌شناختی متکی به آرای همگانی می‌داند، همچنان‌که به لحاظ وجودشناختی دلیلی بر مستقل نبودن این جمله‌ها در نظر شیخ نیافتیم؛

ثانیاً او در رساله منطق دانشنامه‌علائی یکی از فایده‌های جدل را که از مشهورات و مسلمات تشکیل می‌شود، چنین بیان می‌کند: «اگر کسانی بودند که حقی خواهی که ایشان اعتقادش کنند یا مصلحتی و به راه نتوانی، به راه جدل و مشهورات ایشان را اعتقاد افکنی» (۱۲۹).

کاربرد واژه «حق» در بحث حاضر، بسیار کلیدی و راه‌گشاست؛ زیرا بیانگر این مطلب است که مشهورات می‌توانند حامل عقیده‌ای حق که واقعیتی نفس‌الامری و تکوینی است، باشند. این بیان، دلیل اول را تأیید می‌کند که حقیقت‌های اخلاقی و مشهورات ممکن است از نظر شیخ به لحاظ وجودشناختی مستقل باشند،^۱ گرچه به لحاظ معرفت‌شناختی اعتبار خود را از آرای همگانی یا شریعت الهی به دست می‌آورند.

۱. چون واقعیت نفس‌الامری وجودی مستقل دارد که به چیزی وابسته نیست (نک: مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۴).

۳.۲.۲. مبدأ بودن شریعت الهی برای اخلاق

این نظر هم ممکن است به لحاظ معرفت‌شناختی بیان شده باشد. مبدأ بودن معارف شریعت برای اخلاق، منافاتی با استقلال وجودی قضیه‌های اخلاقی که لازمه دیدگاه اخباری و واقع‌گرایی است، ندارد.

۳.۲.۳. بدیهی نبودن قضیه‌های اخلاقی

بدیهی نبودن قضیه‌های اخلاقی تأییدی بر اخباری یا واقعی نبودن آن‌ها نیست؛ زیرا چنان‌که پیش‌تر بیان شد، این قضیه‌ها برهان‌پذیرند و قابل‌یقینی‌شدن. به علاوه، ابن‌سینا درصدد بیان این نکته بوده‌است که معرفت اخلاقی، اغلب به دلیل پیچیدگی‌اش برای بسیاری انسان‌ها حتی از طریق برهان نیز به دست آمدنی نیست؛ بلکه فقط از طریق شهرت به دست می‌آید. مردم در حیات اجتماعی خود، احکام اخلاقی، از جمله عدل را می‌پذیرند؛ به بیان دیگر، اخلاق بدون معلم آموختنی نیست (جوادی، ۱۳۸۶: ۲۷)

نتیجه

درباره ساختار گزاره‌های اخلاقی دو دیدگاه کلی در فلسفه اخلاق وجود دارد: دیدگاه کشف و دیدگاه جعل. با مطالعه آثار ابن‌سینا شواهدی در تأیید هر دو دیدگاه یافت می‌شود. آوردن اخلاق در ذیل مباحث فلسفه، برهان‌پذیری قضیه‌های اخلاقی، ناشی شدن اخلاق از عقل عملی و واگذاری مسئولیت تطبیق قاعده‌های اخلاقی بر مصداق‌ها به عقل و ... تأییدکننده واقع‌گرا و شناخت‌گرا بودن شیخ است. همچنین، اعلام مبدأ بودن شریعت برای اخلاق، مشهوردانستن گزاره‌های اخلاقی و ملاک بودن آرای همگانی در

اعتبار احکام اخلاقی، از دلایلی است که او را غیرواقع‌گرا و ناشناخت‌گرا جلوه می‌دهد.^۱ ولی با دقت بیشتر، دلایل کشفی بودن احکام اخلاقی که به واقع‌گرایی و شناخت‌گرایی منجر می‌شود، قوی‌تر و مبنایی‌تر به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، شواهد تأییدکننده دیدگاه جعل در آثار ابن‌سینا، به لحاظ منطقی سند محکمی در این بحث نیست؛ زیرا او درباره مشهور بودن قضیه‌های اخلاقی، فقط و فقط در مقام مثال آوردن بوده^۲ و در صدد پی‌گیری و تبیین مباحث فلسفی اخلاق نبوده‌است. به این دلیل که اساساً در آن زمان، فلسفه در اخلاق، نظم امروزمین خود را نداشت. به بیان دیگر، اگر امروز ابن‌سینا حاضر بود و لوازم برآمده از گفته‌هایش بر او معلوم می‌شد، آرای خود، مبنی بر جعلی و وضعی بودن اخلاق را نفی می‌کرد؛ چنان‌که هم‌اکنون نیز دلایلی بر این نفی در آثار او یافت می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. محقق اصفهانی شیخ را غیرواقع‌گرا می‌داند (نک: محقق اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۱۲ تا ۱۱۶).
۲. محقق لاهیجی و ملاهادی سبزواری از موافقان این نظرند (نک: لاهیجی، ۱۳۶۴: ۶۱؛ سبزواری، ۱۳۷۵: ۳۲۱ تا ۳۲۲).

کتابنامه

۱. ابن سینا، حسین بن علی، ۱۳۶۴، النجاة، ج ۲، تهران: مرتضوی.
۲. _____، ۱۴۰۰، رسائل، قم: بیدار.
۳. _____، ۱۴۰۴، منطق شفا، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴. _____، ۱۴۰۴، الهیات شفا، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵. _____، ۱۳۵۳، رساله منطق دانش نامه علائی، ج ۲، به تصحیح و حاشیه نویسی محمد معین و سید محمد مشکات، تهران: دهخدا.
۶. _____، ۱۴۰۵، منطق المشرقیین، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۷. _____، ۱۴۱۳، الاشارات والتنبيهات، شرح خواجه نصیرالدین طوسی، بیروت: نعمان.
۸. اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۴، نهاية الدراية فی شرح الکفایة، ج ۲، به تحقیق رمضان قلی زاده مازندرانی، قم: سیدالشهداء.
۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۶۸، حسن و قبح عقلی یا پایه های اخلاق جاودان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۰. سبزواری، ملاهادی، ۱۳۷۵، شرح اسماء الحسنی، به تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. لاهیجی، ملاعبدالرزاق، ۱۳۶۴، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، به تصحیح صادق لاریجانی، تهران: الزهراء.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، ترجمه و شرح برهان شفاء، به نگارش و تحقیق محسن غرویان، تهران: امیرکبیر.

۱۳. _____، ۱۳۷۴، شرح نهاییة الحکمة، به تحقیق و نگارش ع. عبودیت، تهران: امیرکبیر.
۱۴. مکناتون، دیوید، ۱۳۸۶، بصیرت/اخلاقی، ترجمه محمود فتحعلی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۵. جوادی، محسن، ۱۳۸۶، «وابستگی وجودی اخلاق به دین از دیدگاه ابن سینا»، اخلاق، ش ۹ و ۱۰.
۱۶. شریفی، احمدحسین، ۱۳۸۶، «مرور و ارزیابی دیدگاه ابن سینا درباره حقیقت قضایای اخلاقی»، اخلاق، ش ۹ و ۱۰.

